

تجربه برنامه خصوصی سازی در انگلستان

ترجمه: دکتر عبدالناصر همتی

بریتیش گس (British gas)، **بریتیش استیل (British Steel)**، **بریتیش ایروسپیس (British Aerospace)**، **جاگوار (Jaguar)**، **رولز رویس (Rolls-Royce)**، **آی ان اف سی (INFC)**، **آ بی دی اچ (ABDH)**، و **بی تی (BT)**.

مقایسه نتیجه بلافاصله بعد از خصوصی سازی با زمان ملی بودن در مورد شاخصهای بازدهی نیروی کار، بازدهی عوامل تولید، ارزش افزوده و سودآوری نشان می دهد که:

• از ۱۱ مورد، در ۵ مورد در حالت خصوصی، بازدهی نیروی کار بیشتر بوده است.

• از ۱۱ مورد تنها در ۲ مورد در حالت خصوصی بازدهی عوامل تولید بیشتر بوده است.

• از ۱۱ مورد، در ۵ مورد در حالت خصوصی ارزش افزوده بهبود پیدا کرده است.

• از ۱۱ مورد، در ۸ مورد در حالت خصوصی سودآوری افزایش یافته است.

مقایسه آخرین عملکرد ۹ بنگاه از ۱۱ بنگاه با وضعیت آنها در زمان ملی بودن نشان می دهد که:

• از ۹ بنگاه، در ۸ بنگاه در حالت خصوصی ارزش افزوده بیشتری پیدا کرده است.

• از ۹ بنگاه، در ۶ بنگاه در حالت خصوصی بازدهی نیروی کار بیشتری داشته اند.

• از ۹ بنگاه، در ۳ بنگاه در حالت خصوصی بازدهی عوامل تولید بهتر بوده است.

• از ۹ بنگاه، ۵ بنگاه در حالت خصوصی سودآوری بهتری داشته اند.

کارایی و بهبود استاندارد سرویسدهی از نتایج خصوصی سازی است."

دلایل عمده ناکارایی بنگاههای دولتی به شرح زیر بیان شده است:

• بنگاههای دولتی دچار عارضه دخالتهای وسیع سیاسی هستند.

• مدیریتهای دولتی هدفهای متضاد و در حال نوسان دارند. چارچوب زمانی سیاسی، تطبیق پذیر با سیکل زمانی طولانی مورد نیاز برای موفقیت اهداف سرمایه گذاری نیست.

• سیاستمداران و کارکنان نمی توانند رفتار مدیران را مثل بازار سرمایه خصوصی کنترل کنند و این امر موجب سرمایه گذاری بیش از حد نیاز می شود.

• در بخش دولتی ورشکستگی، وقتی که یک صندوق نامحدود مالیات دهندگان وجود دارد، راه حل اعتباری ندارد.

• حقوق مدیریتی در بخش دولتی به طور سیاسی تعیین شده و بندرت با پرداختهای مربوط به مسئولیتهای مشابه در بخش خصوصی مقایسه پذیر است، لذا کیفیت مدیریت آسیب خواهد دید.

• در مورد پاداش انجام کار در بخش دولتی کمبود وجود دارد.

• بنگاههای بخش دولتی وقتی در بازار به صورت انحصاری عمل می کنند، گرایش کافی به مصرف کنندگان ندارند.

• مالکیت دولتی تنظیم فعالیت صنعت را با نقش مالکیتی مخلوط می کند و لذا تنظیم و کنترل کمتر موثر خواهد بود.

در یک بررسی، ۱۱ بنگاه صنعتی که خصوصی شده اند مورد بررسی قرار گرفت. بنگاههای مورد بررسی عبارت بودند از:

بریتیش ایرویز (British Airways)، **بی آ آ (BAA)**، **بریت اوایل (Britoil)**،

در انگلستان نیز مانند سایر کشورها فشار سیاسی برای خصوصی سازی از ترکیب دو عنصر: (۱) سرخوردگی از نتایج مالکیت دولتی و (۲) اعتقاد به اینکه مالکیت خصوصی موجب منافع اقتصادی اساسی می شود، به وجود آمد.

ابتدا چنین به نظر رسید که صنایع تملک شده توسط دولت بسیار ناکارا هستند و در ارائه تکنولوژی جدید و نیز توسعه، حرکت کندی دارند. این وضعیت عمدتاً به خاطر دخالتهای سیاسی مخرب دولت و نیز تسلط اتحادیه های قدرتمند کارگری حاصل شده بود و در آن شرایط، خصوصی سازی به عنوان راه حلی برای خلاصی از فشار مالی ناشی از فعالیتهای زیانده مطرح شد.

صنایع، عمدتاً در نواحی مورد نظر سیاستمداران تاسیس شده بود یا ادامه فعالیت می داد و نیز به علت برخورداری از رای کارگران، تعطیلی یا کاهش نیروی کار در برخی مناطق و واحدهای صنعتی با مخالفت روبه رو می شد.

یکی از مسئولان برنامه خصوصی سازی صنایع انگلستان در سال ۱۹۸۳ اعلام کرد "برنامه خصوصی سازی منافع اساسی برای مدیریت صنایع، کارکنان صنایع، مصرف کنندگان و کسانی که مالیات پرداخت می کنند، دارد. البته منافعی هم برای نیازهای استقرایی بخش دولتی و نیز هدف ما که کوچک کردن اندازه دولت است، را دربر دارد. اما این امور مرتبط با تولید، نسبت به هدف اصلی، درجه دوم تلقی می شود. هدف اصلی ما در این اقدام بالا بردن رقابت و بهبود بخشیدن به کارایی است."

وزیر تجارت و صنایع انگلستان نیز در سال ۱۹۹۵ اظهار داشت: "کاهش هزینه ها، کاهش قیمتها، بهبود وسیع

منبع: